



جغرافیا و روابط انسانی، تابستان ۱۴۰۳، دوره ۷، شماره ۱، صص ۴۹۷-۴۸۵

بررسی عوامل مؤثر بر نگرش کشاورزان دهستان صیدون جنوبی نسبت به کشاورزی

ارگانیک

زهرا سلطانی

استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

z.soltani@scu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۰۸

چکیده

کشاورزی ارگانیک یک نظام مدیریت تولید است که منجر به توسعه پایدار در کشاورزی و اطمینان از تولید مواد غذایی سالم و بی‌ضرر می‌گردد. به بیان دیگر کشاورزی ارگانیک، نگرش علمی و نوین به کشاورزی سنتی است که اجداد ما به آن عمل می‌نمودند. نگرش مثبت کشاورزان نسبت به کشاورزی ارگانیک، اهمیت زیادی در حفاظت از محیط‌زیست، بهبود کیفیت محصولات و دستیابی به بازارهای پر سود دارد. این نگرش می‌تواند الهام‌بخش برای استفاده بیشتر از روش‌های ارگانیک و تحولات سازنده در کشاورزی باشد که در نهایت به بهبود مستمر و توسعه پایدار کشاورزی منجر می‌شود. هدف اصلی این پژوهش، بررسی عوامل مؤثر بر نگرش کشاورزان نسبت به کشاورزی ارگانیک در دهستان صیدون جنوبی می‌باشد. پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و از نظر نوع و ماهیت، توصیفی - تحلیلی می‌باشد. نتایج تحقیق نشان داده است. نشان داد که گویه‌های حمایت سازمان‌ها (میانگین ۴.۲) و دولت (میانگین ۴.۳) در بُعد حمایتی - آموزشی و مدیریت مؤثر (میانگین ۴.۴) در بُعد مدیریتی، اهمیت بالایی دارند. همچنین چالش‌های اقتصادی نظیر گرانی محصولات (میانگین ۳.۵) و کمبود تقاضا (میانگین ۴.۱) بیشترین تأثیر را بر نگرش کشاورزان دارند. نتایج می‌توانند به تدوین سیاست‌های پشتیبانی از این نوع کشاورزی و تحقق اهداف محیطی و اقتصادی در منطقه کمک کنند.

واژگان کلیدی: کشاورزان، کشاورزی ارگانیک، بهبود محیط‌زیست، دهستان صیدون جنوبی.



مقدمه

در جهان و به‌ویژه در ایران هر ساله به دلیل استفاده بی‌رویه از کود و سموم شیمیایی در تولید محصولات کشاورزی، هزینه‌های اجتماعی و بهداشتی برای مصرف‌کنندگان محصولات کشاورزی و دولت در حال افزایش است و از سوی دیگر مصرف‌کنندگان از طعم ناخوشایند برخی میوه‌ها و سبزی‌ها که ناشی از مصرف بیش‌ازحد سموم و کودهای شیمیایی می‌باشد، اظهار نگرانی می‌نمایند (صندوقی و همکاران، ۱۳۹۴). امروز اهمیت پرداختن به غذاهای سالم با توجه به فواید فراوان این محصولات بیش‌ازپیش بر دانشمندان، دولتمردان و مصرف‌کنندگان آشکار شده است (حق‌جور و همکاران، ۱۳۹۰). غذاهای ارگانیک شامل آن دسته از مواد غذایی کشاورزی است که از کودهای شیمیایی، آفت‌کش‌ها، علف‌کش‌ها و دیگر مواد شیمیایی مصنوعی در طول تولید، پردازش و ذخیره‌سازی استفاده نمی‌شود (Basha et al., 2015). کشاورزی ارگانیک تولیدی است که سلامت خاک، اکوسیستم‌ها و انسان را پایدار می‌سازد. این سیستم، بر فرآیندهای بوم‌شناسانه، تنوع زیستی و چرخه‌های سازگار با شرایط محلی تکیه دارد و به نهادهایی که اثرهای مشکل‌زا دارند، وابستگی ندارد. کشاورزی ارگانیک روش‌های سنتی، علمی و نوآوری را در هم می‌آمیزد تا از محیط خود و آسان‌سازی ارتباط مناسب با آن، بهره‌گیرد و زندگی باکیفیت خوب را، برای تمام متصدیان فراهم سازد (خوشخوی، ۱۳۹۵). کشاورزی ارگانیک یک نظام مدیریت تولید است که منجر به توسعه پایدار در کشاورزی و اطمینان از تولید مواد غذایی سالم و بی‌ضرر می‌گردد. به‌بیان‌دیگر کشاورزی ارگانیک، نگرش علمی و نوین به کشاورزی سنتی است که اجداد ما به آن عمل می‌نمودند (عبداللهی، ۱۳۸۷). کشاورزی ارگانیک با استفاده از شاخص‌هایی اندازه‌گیری می‌شود که عبارت‌اند از رعایت استانداردهای تولید در رشد محصول، بذر و نهال، مدیریت کنترل آفات و علف‌های هرز در مزرعه، مدیریت و نظارت بر بسته‌بندی، آماده‌سازی و شستشو، انبارداری، حمل‌ونقل و روش‌های برچسب‌گذاری (فاطمی، ۱۴۰۰). ولی با تمام مزایای کشاورزی ارگانیک به همراه دارد، آنچه در این راستا اهمیت بیشتری دارد، تصمیم کشاورزان به پذیرفتن کشاورزی ارگانیک است. بر تصمیم کشاورزان به پذیرش کشاورزی ارگانیک عوامل متعددی اثرگذارند، از قبیل عوامل اقتصادی، اجتماعی، ساختاری و نهادی. با این اطلاع‌یابی و نگرش کشاورز نیز از عوامل مهمی هستند که بر این تصمیم تأثیر زیادی می‌گذارند؛ بنابراین برنامه‌ریزان کشاورزی باید در طراحی برنامه‌های جدید، در کنار توجه به سایر عوامل اثرگذار به پیچیده‌بودن نگرش کشاورزان، اهمیت زیادی قائل شود (هوشمندان مقدم فرد و شمس، ۱۳۹۵).

تحقیقات در زمینه نگرش کشاورزان نسبت به کشاورزی ارگانیک در دهستان صیدون جنوبی اهمیت زیادی دارد. این تحقیق باهدف بهبود فهم ما از دلایل و عواملی که بر نگرش کشاورزان در این منطقه تأثیر می‌گذارد، انجام می‌شود. اهمیت این تحقیق در ارتقاء پایداری محیط‌زیست و بهبود کیفیت محصولات کشاورزی است. کشاورزی ارگانیک به‌عنوان یک رویکرد پایدار و بدون استفاده از سموم شیمیایی به‌منظور حفظ حاکمیت محلی و تقویت

سلامت محصولات مطرح شده است. با درک عواملی که بر نگرش کشاورزان در دهستان صیدون جنوبی اثر می‌گذارند، می‌توان بهبودی در انتخاب رویکردهای کشاورزی دست‌یافت.

بخش صیدون جنوبی در شهرستان صیدون در استان خوزستان از جمله مناطقی است که دارای توانایی‌های زیادی در زمینه کشاورزی است. این بخش دارای ۹۸۹۵ نفر جمعیت و ۱۷۶۶ خانوار می‌باشد که شغل اکثر آنان کشاورزی است. دارای دو دهستان به نام رودزیر و صیدون جنوبی می‌باشد. روستای علا مرکز دهستان صیدون جنوبی است. در این دهستان کشاورزی به صورت دیمی و آبی کشت می‌شود که نقش مهمی در اقتصاد روستاهای این دهستان دارد. از عوامل تأثیرگذار بر کشاورزی این منطقه وجود رودخانه علا می‌باشد که بیش از ۲۶۰۰ هکتار زمین‌های این دهستان به خاطر عبور این رودخانه از دهستان به زیر کشت گندم، جو، برنج، خیار، پیاز، سیر و یونجه رفته است.

هدف اصلی تحقیق، شناخت عوامل مؤثر بر نگرش کشاورزان و تدوین استراتژی‌هایی برای افزایش قبولی و اجرای کشاورزی ارگانیک در این منطقه است. با توجه به فرهنگ و شرایط زیستی دهستان صیدون جنوبی، ایجاد تغییرات موفقیت‌آمیز نیازمند توجه به نیازها و انگیزه‌های محلی است. اثرات این تحقیق در توسعه پایداری محلی، حفظ تنوع زیستی و کاهش استفاده از مواد شیمیایی در کشاورزی قابل توجه است. این پژوهش می‌تواند به سیاست‌گذاران و محققان کمک کند تا راهکارهای بهینه‌تری برای ترویج کشاورزی ارگانیک در این منطقه ارائه دهند و بتوانند توسعه مستدام در حوزه کشاورزی را ترویج کنند.

پیشینه تحقیق

لاپل^۱ (۲۰۱۳) در تحقیقی با عنوان درک جاذبه کشاورزی ارگانیک، ارزیابی گوناگون در بین کشاورزان ایرلندی، به این نتیجه دست یافتند که تأثیر مشوق‌های اقتصادی و موانع فنی متفاوت است در حالی که پذیرش اجتماعی کشاورزی ارگانیک محدود می‌باشد.

آلایر^۲ و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی باهدف بررسی تجزیه و تحلیل ترویج کشاورزی ارگانیک در فرانسه به این نتیجه دست یافتند که دسترسی به بازار و شبکه‌های اجتماعی می‌تواند اثر مثبتی در توسعه کشاورزی ارگانیک داشته باشد.

یلناکیتکول^۳ و اونگ‌واراوانگ^۴ (۲۰۲۰) در مقاله خود به بررسی عوامل مؤثر در حفظ رفتارهای کشاورزی ارگانیک و مقایسه بین کشاورزان برنج ارگانیک و معمولی پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش به سازمان‌های دولتی

1. Läßle

2. Allaire

3. Yanakittkul

4. Aungvaravong

طرحی از چگونگی افزایش کشاورزی ارگانیک به‌ویژه برای کشاورزان خرده‌پا ارائه می‌دهد که فواید طولانی‌مدت آن باعث کاهش آلودگی سمی و افزایش سلامت انسان می‌شود.

تاکور^۱ و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهش خود با عنوان محرک‌های پذیرش رفتاری و عدم پذیرش کشاورزان نسبت به سیستم کشت ارگانیک به بررسی انحرافات پذیرش و دیدگاه کشاورزان و مصرف‌کنندگان نسبت به کشاورزی ارگانیک پرداخته و چالش‌ها و راهکارهای اتخاذ و سرمایه‌گذاری آن در کشاورزی پایدار را برجسته می‌کند. تجزیه و تحلیل SWOT انجام شده در اوتارخند نقاط ضعف در کشاورزی ارگانیک را شناسایی می‌کند، مانند بهره‌وری نسبتاً پایین تر محصولات ارگانیک، حق بیمه قیمت نامطلوب، عرضه ناکارآمد اصلاحات و نهاده‌های ارگانیک و فرآیندهای پیچیده صدور گواهینامه. این مطالعه همچنین اهمیت نظریه‌های نوآورانه و انتشار آن‌ها در اتخاذ شیوه‌های کشاورزی ارگانیک را مورد بحث قرار می‌دهد. سطح آگاهی، درک، دانش و دانش خالص را به‌عنوان عوامل کلیدی در فرایند پذیرش برجسته می‌کند.

احمد پرودهان^۲ و همکاران (۲۰۲۳) در مقاله خود عوامل مؤثر بر نگرش، ادراک و پذیرش چای پرورش ارگانیک چای در منطقه پانچاگار بنگلادش را بررسی می‌کند. این مطالعه با استفاده از نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده (TPB) و رگرسیون لجستیک دودویی برای تجزیه و تحلیل تأثیر عوامل کنترلی (عوامل بازاریابی و عوامل هزینه و سود)، نگرش به کشاورزی ارگانیک و عوامل اجتماعی (عوامل گسترش) بر پذیرش کشاورزی چای ارگانیک را بررسی کردند. نتایج نشان می‌دهد که آموزش و دانش به‌طور قابل‌توجهی بر نگرش کشاورزان نسبت به کشاورزی چای ارگانیک تأثیر می‌گذارد و نگرش و عوامل هزینه - سود تأثیر قابل‌توجهی بر پذیرش دارند. این مطالعه نشان می‌دهد که یک برنامه ترویجی مشارکتی برای افزایش دانش مربوط به کشاورزی چای ارگانیک می‌تواند بر نگرش و رفتار کشاورزان نسبت به کشاورزی ارگانیک تأثیر مثبت بگذارد.

پور سعید و همکاران (۱۳۹۲) در بررسی دانش کارشناسان وزارت جهاد کشاورزی نسبت به کشاورزی ارگانیک نتیجه‌گیری کردند که کارشناسان نسبت به کشاورزی ارگانیک دانش متوسطی دارند. یافته‌ها نشان دادند که کارشناسان پیرامون مقوله‌های، عام‌دارای دانش بالاتری نسبت به مقوله‌های خاص و تخصصی‌تر هستند این می‌تواند زمینه‌ای برای برنامه‌ریزی‌های آموزشی هرچه بهتر دست‌اندرکاران این موضوع باشد.

آزادی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان تعیین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر نیت بهره‌برداران در راستای ایجاد نظام زراعی دامی مختلط در شهرستان کوهستان به این نتیجه رسیدند که هویت، شخصیت و وظیفه اجتماعی افراد در راستای ایجاد سیستم مختلط کشاورزی دام‌پروری در کنار نگرش و کنترل رفتار درک شده عامل مهمی در شکل‌دهی رفتار فرد است.

¹. Thakur

². Ahmed Prohdan

۱ سدالله پور و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی، الگوی رفتاری شالیکاران استان مازندران در زمینه کشاورزی ارگانیک مورد بررسی قرار دادند. در این پژوهش عوامل تسهیل کننده مؤثر بر تبدیل به کشاورزی ارگانیک شامل بهداشت و ایمنی، زیست محیطی، دانشی، فردی و اقتصادی. همچنین موانع و چالش ها شامل هزینه ها، عدم حمایت دولتی، فقدان آگاهی و مشکلات تولید می باشد. نتایج تحقیق مبین آن است که نگرش و هنجارهای انتزاعی و تمایل شالیکاران بر روی رفتار کشاورزی ارگانیک تأثیر مثبت و معنی داری دارد.

رضوی و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان ارزیابی جایگاه توسعه کشاورزی ارگانیک در مناطق روستایی ایران به این نتیجه رسیدند که با توجه به مراحل گذار به کشاورزی ارگانیک، شناخت کشاورزان از این مراحل کافی نیست و در زمینه توسعه کشت ارگانیک چالش های فراوانی وجود دارد.

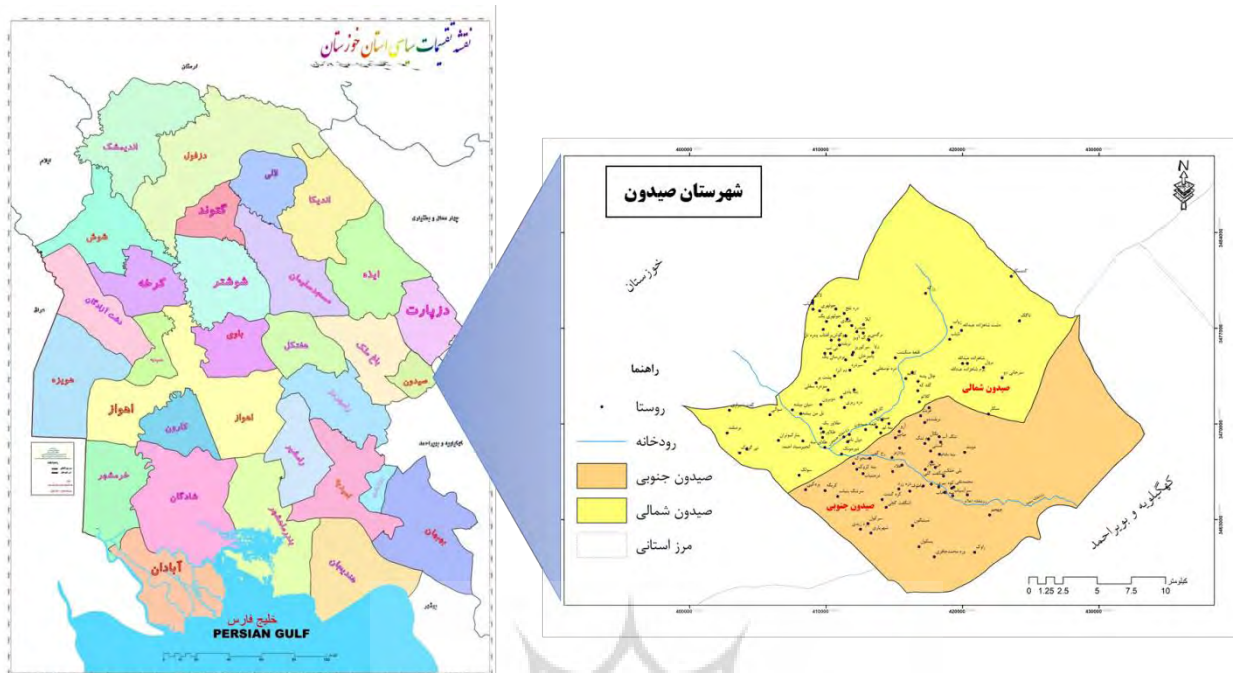
محدوده مورد مطالعه

شهرستان صیدون دارای دو بخش مرکزی و علا بوده و طبق سرشماری سال ۱۳۹۵ بیش از ۲۲ هزار نفر جمعیت دارد. صیدون از شمال با شهرستان دزپارت، از غرب با شهرستان باغملک، از شرق با شهرستان کهگیلویه و از جنوب با شهرستان بهمئی استان کهگیلویه و بویراحمد همسایه است.

جدول ۱. تقسیمات سیاسی و جمعیت شهرستان صیدون

بخش	مرکز بخش	جمعیت سال ۱۳۹۵	نام دهستان	مرکز دهستان
مرکزی	صیدون	۱۳۰۹۱	واجل	واجل
علا	بنه لم	۸۰۳۰۵	صیدون شمالی	طلاور یک
			صیدون جنوبی	رودزیر علا

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



شکل ۱. موقعیت و محدود شهرستان سیدون

روش پژوهش

پژوهش حاضر باهدف بررسی عوامل مؤثر بر نگرش کشاورزان نسبت به کشاورزی ارگانیک دهستان سیدون جنوبی انجام شده است. پژوهشی توصیفی-تحلیلی است و از نوع مطالعات کمی می‌باشد. روش گردآوری داده‌ها پیمایشی و ابزار گردآوری پرسشنامه است. جامعه آماری پژوهش را تمامی کشاورزان روستای سیدون جنوبی تشکیل داده‌اند. ۲۰۰ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شده‌اند. از پرسشنامه‌های استاندارد استفاده شد تا داده‌های کمی جمع‌آوری شود. این پرسشنامه‌ها شامل متغیرهای مختلفی بودند که به شناخت نگرش‌ها و عوامل مؤثر بر کشاورزان کمک می‌کردند. نمونه‌گیری تصادفی از جمعیت کشاورزان ارگانیک انجام شد و پرسشنامه‌ها به آن‌ها توزیع شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از میانگین در SPSS 26 استفاده شد تا وضعیت متغیرها و تأثیر آن‌ها بر نگرش و اجرا درک شود. شاخص‌های تحقیق در دو بخش عوامل مثبت و عوامل منفی بر نگرش کشاورزان نسبت به کشاورزی ارگانیک تدوین شد. در بخش عوامل مؤثر ابعاد حمایتی-آموزشی، مدیریتی، فرهنگی و اقتصادی و در بخش عوامل حمایتی، اقتصادی، نهادی و دانش و آگاهی موردبررسی قرار گرفتند.

یافته‌های پژوهش

در بخش اول ابتدا وضعیت توصیفی پاسخگویان ارائه می‌شود. در بخش توصیفی، مؤلفه‌های سن و تحصیلات بررسی شده است. در جدول شماره آماره‌های توصیفی سن کشاورزان گزارش گردیده است.

جدول ۲. توزیع فراوانی سن کشاورزان مورد مطالعه

سن	۳۰-۲۰	۴۰-۳۱	۵۰-۴۱	۶۰-۵۱	۷۵-۶۱	جمع
تعداد	۲۰	۶۷	۸۷	۱۳	۷	۲۰۰
درصد	۱۰	۳۳.۵	۴۲.۵	۷.۵	۶.۵	۱۰۰

بر طبق جدول شماره ۲، ۱۰ درصد از کشاورزان در گروه سنی ۲۰ تا ۳۰ ساله، ۳۳.۵ درصد در گروه سنی ۳۰-۴۰ ساله، ۴۲.۵ درصد در گروه ۴۰ تا ۵۰ ساله، ۷.۵ درصد در گروه ۵۰-۶۰ ساله و ۶.۵ درصد در گروه ۶۰ تا ۷۰ ساله بودند.

جدول ۳. توزیع فراوانی تحصیلات کشاورزان

سطح سواد	بی سواد	ابتدایی	راهنمایی	دانشگاهی	جمع
تعداد	۴۳	۹۵	۶۳	۱۳	۲۰۰
درصد	۲۱.۵	۴۰.۵	۳۱.۵	۶.۵	۱۰۰

جدول شماره ۳ و وضعیت تحصیلی کشاورزان را نشان می دهد. بیشترین درصد مربوط به مقطع ابتدایی با میزان ۴۰.۵ درصد و کمترین میزان مربوط به سطح دانشگاهی می باشد. جدول شماره ۴ نتایج آزمون میانگین در بررسی عوامل مؤثر بر نگرش مثبت نسبت به کشاورزی ارگانیک را نشان می دهد.

جدول ۴. عوامل مؤثر بر نگرش مثبت نسبت به کشاورزی ارگانیک

میانگین	گویه	بعد
۴.۲	افزایش نقش سازمان ها و تشکل های مردمی در عرضه محصولات ارگانیک	حمایتی-آموزشی
۳.۸	عرضه انواع محصولات ارگانیک در مکان های متنوع	
۳.۶	نظر کارشناسان بر مصرف کودها و سموم شیمیایی در مزارع	
۴.۱	آگاهی دادن در مورد زیان های مصرف آفت کش ها و کودهای شیمیایی	
۴.۳	حمایت دولت از تولید عرضه محصولات ارگانیک	
۳.۹	برگزاری جشنواره و نمایشگاه های عرضه محصولات ارگانیک	
۴.۰	اطلاع رسانی در خصوص ارزش های غذایی محصولات ارگانیک	
۳.۷	انتشار و توزیع نشریات ساده برای آگاه سازی افراد نسبت به محصولات ارگانیک	
۳.۵	حضور کار شنا سان در محل عرضه محصولات ارگانیک جهت پاسخگویی به سؤال های مصرف کنندگان	
۴.۳	حمایت های مالی مدیران و سیاست گذاران از تولید محصول سالم در کشور	
۴.۴	ایجاد پست های رهبری و هماهنگی برای تولید محصول سالم و ارگانیک در کشور/ استان	

۴.۲	هماهنگ بودن سیاست‌های مدیران با یکدیگر زمینه‌تولید محصول سالم	
۳.۹	ارتباط مدیران با محققین و مروجین کنترل بیولوژیک	
۴.۱	مشارکت عملی مسئولین و مدیران در برنامه‌های تولید محصولات ارگانیک	
۴.۳	نگرانی مصرف‌کنندگان در رابطه با آلودگی محصولات کشاورزی ارگانیک	
۴.۲	ارتقاء فرهنگ مصرف‌کنندگان در مورد مصرف محصولات ارگانیک	
۳.۷	جود تصورات غلط در کشاورزان درباره تبدیل مزارع خود به شیوه ارگانیک	
۳.۲	ارتقاء دانش زنان خانه‌دار در زمینه محصولات ارگانیک	فرهنگی
۳.۳	آگاهی دادن در رابطه با اهمیت دسترسی به محصولات کشاورزی سالم و عاری از باقیمانده	
۳.۱	بهبود الگوی تغذیه مردم به‌سوی محصولات کشاورزی سالم	
۴.۴	سودآوری فعالیت‌های کشاورزی ارگانیک	
۴.۲	ارتباط مستقیم با بازار و تقاضای مصرف‌کنندگان	اقتصادی
۴.۳	هزینه‌ها و سرمایه‌گذاری مرتبط با کشاورزی ارگانیک	

تحلیل جدول ۴ نشان می‌دهد که در بعد حمایتی-آموزشی برای افزایش نقش سازمان‌ها و تشکل‌های مردمی در عرضه محصولات ارگانیک، حمایت دولت از تولید و عرضه محصولات ارگانیک با میانگین ۴.۳ و آگاهی دادن در مورد زیان‌های مصرف آفت‌کش‌ها و کودهای شیمیایی با میانگین ۴.۱ بیشترین اهمیت را دارند.

در بعد مدیریتی نیز حمایت‌های مالی مدیران و سیاست‌گذاران از تولید محصول سالم در کشور با میانگین ۴.۴ و مشارکت عملی مسئولین و مدیران در برنامه‌های تولید محصولات ارگانیک با میانگین ۴.۳ بالاترین میانگین را به دست آورده‌اند. تحلیل نشان می‌دهد که حمایت‌های مالی از سوی دولت و مدیران، آگاهی‌بخشی به مصرف‌کنندگان و مشارکت مسئولین در برنامه‌های تولید از جمله عوامل مؤثر در ترویج و پشتیبانی از تولید محصولات ارگانیک و سالم می‌باشند.

در بعد فرهنگی ارتقاء فرهنگ مصرف‌کنندگان در مورد مصرف محصولات ارگانیک با میانگین ۴.۲ بالاترین میانگین را کسب کرده و نقش مهمی در توسعه فرهنگ مصرف محصولات ارگانیک دارد. همچنین، آگاهی دادن در رابطه با اهمیت دسترسی به محصولات کشاورزی سالم و عاری از باقیمانده، ارتقاء دانش زنان خانه‌دار در زمینه محصولات ارگانیک و بهبود الگوی تغذیه مردم به سوی محصولات کشاورزی سالم نیز با میانگین‌های مطلوب، نقش مهمی در ارتقاء فرهنگ محصولات ارگانیک و سالم ایفا می‌کنند.

در حوزه اقتصادی که سودآوری فعالیت‌های کشاورزی ارگانیک با میانگین ۴.۴ بالاترین میانگین را کسب کرده و نشانگر اهمیت بالای این مسئله در ابتدا و پایان خطوط تصمیم‌گیری اقتصادی است. ارتباط مستقیم با بازار و تقاضای مصرف‌کنندگان نیز با میانگین ۴.۲، نشانگر نقش حیاتی ارتباط مستقیم با بازار و تقاضا در موفقیت

کشاورزی ارگانیک می‌باشد. همچنین، هزینه‌ها و سرمایه‌گذاری مرتبط با کشاورزی ارگانیک با میانگین ۴.۳ نشان می‌دهد که مدیریت هزینه‌ها و سرمایه‌گذاری مناسب نیز اهمیت دارد.

جدول ۵: عوامل مؤثر بر نگرش منفی نسبت به کشاورزی ارگانیک

بعد	گویه	میانگین
اقتصادی	گران بودن محصولات ارگانیک نسبت به غیرارگانیک	۳.۵
	گران و مقرون‌به‌صرفه نبودن مبارزه بیولوژیک	۳.۹
	عدم وجود بازار مناسب برای فروش محصولات ارگانیک و در نتیجه کاهش درآمد	۳.۷
	نیاز به نیروی کار بیشتر و مشکلات پرداخت دستمزد این نیرو	۳.۵
	تقاضای اندک برای محصولات ارگانیک	۴.۱
	محدود بودن تولید و عرضه محصولات ارگانیک	۳.۸
نهادی	عدم وجود وسایل لازم برای حمل و نقل این نو محصولات	۳.۷
	عدم وجود مکان‌های مناسب برای ذخیره این نو محصولات	۴.۱
	عدم دسترسی به نهاده‌های موردنیاز در زمان مناسب	۳.۷
دانش و آگاهی	کمبود و یا نبود اطلاعات و دانش کشاورزی ارگانیک	۴.۲
	فقدان نیروی متخصص برای کشت محصولات ارگانیک	۴.۳
	وجود تصورات غلط در کشاورزان درباره تبدیل مواد خود به شیوه ارگانیک	۳.۹
	انتظارات نابجا از میزان عملکرد محصولات ارگانیک	۳.۷

جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که چندین چالش اقتصادی باعث کاهش تقاضا و سودآوری در حوزه محصولات ارگانیک می‌شوند. در این زمینه، گران بودن محصولات ارگانیک نسبت به غیرارگانیک (میانگین ۳.۵)، عدم مقرون‌به‌صرفه بودن مبارزه بیولوژیک (میانگین ۳.۹) و عدم وجود بازار مناسب برای فروش محصولات (میانگین ۳.۷) به‌عنوان موانع اقتصادی به چشم می‌خورند. همچنین، تقاضای اندک برای محصولات ارگانیک (میانگین ۴.۱) نیز نشان‌دهنده نیاز به استراتژی‌های بازاریابی و آگاه‌سازی مصرف‌کنندگان است. محدودیت در تولید و عرضه محصولات ارگانیک (میانگین ۳.۸) نیازمند مدیریت دقیق منابع و راهکارهای توسعه بازار است. این تحلیل نشان می‌دهد که برای ارتقاء صنعت ارگانیک، لازم است به راهکارهای متعددی در ابعاد اقتصادی متمرکز شود تا بازاریابی و پشتیبانی از این نوع محصولات تسهیل شود.

با توجه به میانگین‌های ارائه شده در جدول، مشکلات مهمی در زنجیره تأمین نهاده‌های موردنیاز برای محصولات نوین برجسته می‌شوند. اولین مسئله با میانگین ۳.۷ مربوط به عدم وجود وسایل لازم برای حمل و نقل این نهاده‌ها است. این نشان می‌دهد که نقص در حوزه حمل و نقل ممکن است به تأخیرها و مشکلات در انتقال نهاده‌ها منجر شود. ثانیاً، با میانگین ۴.۱ عدم وجود مکان‌های مناسب برای ذخیره این نهاده‌ها به‌عنوان یک چالش مهم مطرح شده

است. این مسئله می‌تواند منجر به افزایش ضایعات و کاهش کیفیت نهاده‌ها گردد، زیرا ذخیره سازی صحیح از اهمیت بالایی برخوردار است. در آخر، عدم دسترسی به نهاده‌های مورد نیاز در زمان مناسب با میانگین ۳.۷ نیز یک چالش اساسی است. این ممکن است به تأخیر در تولید و تحویل نهاده‌ها منجر شده و اثرات منفی بر زمان بندی تولید و توزیع محصولات نهایی داشته باشد.

از جدول ارائه شده، می‌توان تحلیل کرد که در حوزه دانش و آگاهی در زمینه کشاورزی ارگانیک، چند چالش اساسی مشخص شده است. اولین چالش با میانگین ۴.۲ مربوط به کمبود و یا نبود اطلاعات و دانش کشاورزی ارگانیک است. این نشان می‌دهد که نقص در اطلاعات و دانش ممکن است به عنوان یک مشکل اصلی در ارتقاء کشاورزی ارگانیک تلقی شود.

ثانیاً، با میانگین ۴.۳، فقدان نیروی متخصص برای کشت محصولات ارگانیک به عنوان یک چالش مهم معرفی شده است. این نشان‌دهنده ضرورت جذب و آموزش نیروهای متخصص در زمینه کشاورزی ارگانیک برای افزایش بهره‌وری و کیفیت تولید می‌باشد. سومین چالش با میانگین ۳.۹ مربوط به وجود تصورات غلط در کشاورزان درباره تبدیل موارد خود به شیوه ارگانیک است. این نشان‌دهنده نیاز به اصلاح ادراکات و تصورات کشاورزان در مورد مزایا و فرآیندهای کشاورزی ارگانیک است. در آخر، انتظارات نابجا از میزان عملکرد محصولات ارگانیک با میانگین ۳.۷ نیز یک چالش مطرح شده است. این مسئله نشان‌دهنده ضرورت آگاه‌سازی مناسب کشاورزان و بازار درباره عملکرد و مزایای ویژه محصولات ارگانیک است تا انتظارات بی‌معنی و نابجا کاهش یابند و اعتقادات مثبت ایجاد شوند.

بحث و نتیجه‌گیری

در این مطالعه، تلاش شده است تا عوامل مؤثر بر نگرش کشاورزان به کشاورزی ارگانیک در دهستان صیدون جنوبی شناسایی و ارتباط آن‌ها با قبولی و اجرای این نوع کشاورزی در این منطقه بررسی شود. تحلیل کلی نشان می‌دهد که در بعد حمایتی-آموزشی، افزایش نقش سازمان‌ها و تشکل‌های مردمی (میانگین ۴.۲) و حمایت دولت از تولید و عرضه محصولات ارگانیک (میانگین ۴.۳) اهمیت بالایی دارند. در بعد مدیریتی، ایجاد پست‌های رهبری برای تولید محصول سالم (میانگین ۴.۴) و هماهنگی سیاست‌ها برای تولید محصول سالم (میانگین ۴.۲) از اهمیت بسیار بالایی برخوردارند. در بعد فرهنگی، ارتقاء فرهنگ مصرف‌کنندگان (میانگین ۴.۲) و جلب توجه کشاورزان به تبدیل به کشاورزی ارگانیک (میانگین ۳.۷) نیازمند تدابیر اصلاحی است. در بعد اقتصادی، سودآوری فعالیت‌های کشاورزی ارگانیک (میانگین ۴.۴) و مدیریت بهینه هزینه‌ها و سرمایه‌گذاری (میانگین ۴.۶) بیشترین اثرگذاری را دارند.

تجمع نتایج نشان می‌دهد که در بعد اقتصادی، گران بودن محصولات ارگانیک (میانگین ۳.۵) تا تقاضای اندک برای آن‌ها (میانگین ۴.۱) چالش‌های قابل ملاحظه‌ای را ایجاد کرده‌اند. در بعد نهادی، عدم وجود و سایل لازم برای حمل و نقل (میانگین ۳.۷) و عدم وجود مکان‌های مناسب برای ذخیره سازی (میانگین ۴.۱) مشکلات حیاتی را نشان می‌دهند. در بعد دانش و آگاهی، کمبود اطلاعات کشاورزی ارگانیک (میانگین ۴.۲) و فقدان نیروی متخصص (میانگین ۴.۳) نیازمند برنامه‌های کاملی برای آموزش و اطلاع رسانی به کشاورزان هستند. این نتایج نشان می‌دهد که توسعه بازار، افزایش دسترسی به و سایل و مکان‌های مناسب و ارتقاء دانش متخصصان از اقدامات اساسی در تحقق اهداف کشاورزی ارگانیک می‌باشند.

یکی از نکات مهم مورد توجه در این تحقیق، توجه به نیازها و انگیزه‌های محلی است. متغیرهای فرهنگی و اجتماعی که در نگرش کشاورزان به کشاورزی ارگانیک تأثیر دارند، باید به دقت شناسایی شوند. این اطلاعات می‌تواند به عنوان ابزارهای مؤثر در طراحی استراتژی‌های ترویجی و آموزشی برای افزایش قبولی کشاورزی ارگانیک به کار گرفته شوند. به عنوان مثال، اگر نیازمندی‌های اقتصادی یا فرهنگی محلی شناسایی شوند، استراتژی‌هایی مبتنی بر تأمین این نیازها می‌تواند باعث افزایش تعداد کشاورزانی شوند که به کشاورزی ارگانیک مشغول شوند.

اثرات مستقیم این تحقیق در توسعه پایداری محلی نیز می‌تواند چشمگیر باشد. با افزایش تعداد کشاورزان ارگانیک، تنوع زیستی محیط زیست افزایش می‌یابد و استفاده از مواد شیمیایی در کشاورزی کاهش می‌یابد. این امور از اهمیت به سزایی برخوردارند زیرا منجر به کاهش آلودگی محیط زیست و حفظ سلامت خاک و آب می‌شوند. اطلاعات به دست آمده از این تحقیق می‌تواند به سیاست‌گذاران و محققان کمک کند تا راهکارهایی بهینه‌تر برای ترویج کشاورزی ارگانیک در دهستان صیدون جنوبی ارائه دهند. این راهکارها باید با توجه به نیازها و مشکلات محلی به کار گرفته شوند و بتوانند با ایجاد حمایت‌ها و تسهیلات موجب افزایش تعداد کشاورزان ارگانیک‌کار و توسعه مداوم در حوزه کشاورزی شوند. در کل، این تحقیق نقش مهمی در توسعه کشاورزی ارگانیک و پایداری در دهستان صیدون جنوبی ایفا می‌کند و می‌تواند به تحقق اهداف محیطی، اقتصادی و اجتماعی در این منطقه کمک کند.

منابع

- آزادی، حجیر، خسروی پور، بهمن و یزدان پناه، م. سعود. (۱۳۹۳). تعیین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر نیت بهره‌برداران در راستای ایجاد نظام زراعی دامی مختلط در شهرستان کوهدشت. *علوم ترویج و کشاورزی ایران*، دوره ۱۰، شماره ۲، صص. ۳۰ - ۱۶.

۲. پورسعید، علیرضا، اشراقی سامانی، رویا، فتحی، افراسیاب و شریفی راد، محسن. (۱۳۹۲). بررسی دانش کارشناسان وزارت جهاد کشاورزی نسبت به کشاورزی ارگانیک. *مجله تحقیقات نظام سلامت*، جلد ۹، شماره ۳، صص. ۳۳۱-۳۲۰.
۳. حق جو، مریم، حیاتی، باب‌اله، محمدرضایی، رسول، پیش‌بهار، اسماعیل و دشتی، قادر. (۱۳۹۰). عوامل مؤثر بر تمایل پرداخت نرخ افزوده بالقوه مصرف‌کنندگان برای محصولات غذایی سالم (مطالعه موردی: کارکنان سازمان جهاد کشاورزی استان آذربایجان شهری). *نشریه دانش کشاورزی و تولید پایدار*، دوره ۲۱، شماره ۳، صص. ۱۱۷-۱۰۵.
۴. خوشخوی، مرتضی. (۱۳۹۵). مروری کلی بر کشاورزی ارگانیک. *مجله پژوهش‌های راهبردی در علوم کشاورزی و منابع طبیعی*، دوره ۱، شماره ۱، صص. ۴۴-۲۹.
۵. رضوی، سید ح سن، پورطاهری، مهدی و رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا. (۱۳۹۴). ارزیابی جایگاه توسعه کشاورزی ارگانیک در مناطق روستایی ایران مطالعه موردی: تولیدکنندگان محصولات ارگانیک گواهی شده و درحال گذار. *پژوهش‌های روستایی*، دوره ۶، شماره ۱ (پیاپی ۲۱)، صص. ۴۵-۲۷.
۶. سد لله پور، علی، امیدی نجف‌آبادی، مریم و فرج‌لله ح سینی، جمال. (۱۳۹۳). طراحی الگوی کشاورزان، مطالعه شالیکاران استان مازندران. *رساله دکتری رشته ترویج و آموزش مورد کشاورزی*، دانشکده کشاورزی دانشگاه علوم تحقیقات تهران.
۷. صندوق، عطیه و راحلی، ح سین. (۱۳۹۵). توسعه مدل برنامه ریزی شده برای تبیین قصد تولید محصولات ارگانیک بین گلخانه داران خیار شهر ستان اصفهان با متغیر هنجار اخلاقی. *مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه ایران*، دوره ۴۷، شماره ۴، صص. ۹۷۴-۹۶۱.
۸. عبداللهی، سعید. (۱۳۸۷). بررسی چشم انداز توسعه کشاورزی ارگانیک. *موسسه پژوهش‌های برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی*، ص ۵۱.
۹. فاطمی، مهسا، منفرد، نوزد، رضایی مقدم، کوروش و باذریان، فاطمه. (۱۴۰۰). عوامل مؤثر بر ترویج و توسعه فعالیت‌های کشاورزی ارگانیک. *فصلنامه علمی دانشگاه فنی و حرفه‌ای*، دوره ۱۸، شماره ۴، صص. ۳۳-۱۳.
۱۰. هوشمندان مقدم فرد، زهرا و شمس، علی. (۱۳۹۵). بررسی عوامل مؤثر بر نگرش کندمگاران شهرستان خدابنده نسبت به کشاورزی ارگانیک. *نشریه دانش کشاورزی و تولید پایدار*، دوره ۲۶، شماره ۳، صص. ۱۷۰-۱۵۵.

11. Allaire, G., Poméona, T., Maigné, E., Cahuzac, E., Simioni, M., & Desjeux, Y. (2015). Territorial analysis of the diffusion of organic farming in France: Between heterogeneity and spatial dependence. *Ecological Indicators*, Volume 59, 70 – 81. <https://doi.org/10.1016/j.ecolind.2015.03.009>
12. Basha, M. B., Mason, C., Shamsudin, M. F., Hussain, H. I., & Salem, M. A. (2015). Consumers attitude towards organic food. *Procedia Economics and Finance*, 31, 444-452.
13. Läpple, D. (2013). Comparing attitudes and characteristics of organic, former organic and conventional farmers: Evidence from Ireland. *Renewable Agriculture and Food Systems*, 28(04), 11-19. <http://dx.doi.org/10.1017/S1742170512000294>
14. Proadhan, F. A., Afrad, M. S. I., Haque, M. E., Hoque, M. Z., Rokonuzzaman, M., Mohana, H. P., & Pervez, A. K. (2023). Factors driving the adoption of organic tea farming in the northern region of Bangladesh. *Research in Globalization*, 7, 100145.
15. Thakur, N., Nigam, M., Tewary, R., Rajvanshi, K., Kumar, M., Shukla, S. K., ... & Gupta, S. (2022). Drivers for the behavioural receptiveness and non-receptiveness of farmers towards organic cultivation system. *Journal of King Saud University-Science*, 34(5), 102107.
16. Yanakittkul, P., & Aungvaravong, C. (2020). A model of farmers intentions towards organic farming: A case study on rice farming in Thailand. *Heliyon*, 6(1).

پښتانه علوم انساني و مطالعات فرانسې
پرتال جامع علوم انساني